



گفتگو با دکتر حسن ابوتراب

حریم و محدوده شهرها؛ چالش‌ها و راهکارها

مدیر کل حریم شهرداری تهران درباره‌ی دکتر حسن ابوتراب متولد تهران، فارغ التحصیل رشته معماری و شهرسازی از کشور ایتالیا، ورود به شهرداری تهران (سال ۶۹) به عنوان کارشناس ارشد طرح‌های تفصیلی در حوزه‌ی معاونت شهرسازی و معماری، در ادامه مسئولیت‌هایی در مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران و سرانجام مدیریت ستاد هدایت حریم شهر تهران. تدریس در دانشگاه‌های مختلف و برنده تحقیقات علمی در زمینه زلزله و استقرار ساختمان‌های مسکونی در ایتالیا. دارای مقاله‌های علمی و تحقیقی متعدد در نشریات داخلی و خارجی و مؤلف کتابی درباره‌ی طراحی بدون مانع در ارتباط با طراحی فضاهای مناسب شهری برای جانبازان و معلولان.



بی نظیری که در قرون پیش توسط فلاسفه و دانشمندان اسلامی مثل ابونصر فارابی در کتاب السیاسة المدینة الفاضله آمده است، در می‌بایم که جامعه‌ی شهری یا آن جایی که تعدادی از انسان‌ها با تعامل در کنار همدیگر کار، تلاش و استراحت می‌کنند، و اوقات فراغت خود را می‌گذرانند، به چه جایگاهی اطلاق می‌شود و همین، شهر را تبیین می‌کند و سرانجام هنگامی که وارد بحث تخصصی شهرسازی می‌شویم، بعد از این که شهر را تعریف می‌کنیم، می‌پذیریم که به صورت اجتناب ناپذیر در دوره‌ی معاصر و در دنیای ارتباطات و عصر فناوری امروزی، شهر حتماً باید دارای محدوده‌ای باشد. همان طور که فرمودید که آیا می‌توان خطی را مرتبط کرد که بدانیم محدوده‌ی شهر کجاست؟ باید گفت که البته این چنین باید باشد؛ آن هم به این دلیل که اگر شما با کمی تفکر به مبانی شهرسازی بپردازید، می‌بینید که شهر مصداق عینی ظرفی را دارد که دارای گنجایشی مشخص است و چنان چه در این ظرف مقدار متنابهی بیش از حد متعارف گنجایش ظرف آن، چیزی در آن جای دهید، می‌بینید که ظرف سرریز می‌شود؛ پس این جا حدود و گنجایش ظرف را تعیین کردیم. شهر، مکانی است که انباشت جمعیت در آن وجود دارد؛ انسان‌ها در کنار هم کار می‌کنند؛ استراحت می‌کنند؛ و اوقات

● با توجه به تخصص جنابعالی در حریم شهر، آیا می‌توان برای حریم شهر تعریفی ارائه داد؟ آیا می‌توان با کشیدن یک خط به دور شهر، آن را از محیط اطرافش جدا کنیم و بگوییم که کل اتفاقات شهر درون این خط می‌افتد؟ آیا با این خط کشیدن و مشخص کردن حریم و محدوده، می‌توان گفت که مشکلات داخل شهر، از بیرون شهر جداست و شهرداری هیچ کاری با بیرون این محدوده ندارد؟

○ در ابتدا باید به تعریف شهر بپردازیم و در تعریف و تبیین آن نیز باید وارد مقوله‌ی حدود و محدوده‌های شهر بشویم؛ به عبارتی کلی، شهر به محل یا مکانی اطلاق می‌شود که در آن، تعدادی از انسان‌ها بر روی یک عرصه‌ی معین و در یک شرایط مطلوب در کنار همدیگر زندگی می‌کنند. در نهایت اگر به گذشته‌های دور برگردیم، می‌بینیم که در دیدگاه اسلامی در این زمینه مطالبی مطرح شده است. از آن جا که در طبقه بندی علوم اسلامی، بحثی به عنوان سیاست منزل و علم مدن داریم، هم چنین با مراجعه به مطالعات و کتاب‌های



تحت تأثیر این سه علم است. ما چنان چه شهر را بر حسب علم جغرافیایی خودمان در نظر بگیریم، می‌بینیم که جمعیتی در این شهر سکنی گزیده اند که میزان آن با روندی تکوینی یا بطئی رو به رشد است. اگر در دهه‌هایی رشد بر اساس معیارهایی مثل بهبود کیفیت زندگی و هم چنین اقتصاد خانواده باشد که عامل بسیار مهمی است. بدیهی است که افزایش جمعیت با رشدی حسب بنیه و توان خانواده در حال شکل‌گیری است. یا اگر به صورت افزایش نگاه کنیم، می‌بینیم که بعد خانوار؛ گستردگی و افزایش جمعیت (پخشایش جمعیت در هکتار) باعث افزایش وسعت شهر می‌شود. بنابراین این مقدار جمعیتی که بر روی این پهنه استقرار پیدا کرده است، می‌بایست از کیفیت مطلوب زندگی بهره بردار باشد. ما می‌گوییم که نیروگاه و تأسیسات زیربنایی شهری مانند گاز، آب، برق، فاضلاب و شبکه‌های آب‌رسانی و ... لازم است. این‌ها مسائلی است که ما باید برای شهروندان در برابر پرداخت عوارض، تأمین کنیم تا از یک حقوق متعارف و کیفیت زندگی مطلوب بهره مند باشند.

اگر ذخایر آب آشامیدنی که بر اثر بارش و از جمله ذخیره‌ی باران در پشت سدها جمع‌آوری می‌شود رو به کاستی بگذارد و اگر گرفتار کم‌آبی و خشک‌سالی شویم، چه اتفاقی می‌افتد و تبعات آن چیست؟ با تجزیه و تحلیل می‌بینید که در برخی جاها، کمبودها باعث مهاجرت‌ها می‌شود. این‌جا آن عرصه‌ی جغرافیایی حالت برون‌زا را به خود می‌گیرد و افراد و شهروندان برای داشتن یک زندگی با کیفیت دلخواه خودشان مهاجرت را برمی‌گزینند. عوامل دیگری نیز موجب می‌شود تا از بیرون به درون مهاجرت صورت گیرد، و آن، تمرکز زیاد خدمات در یک مکان است. اکنون اگر ما روی این شهر برای برنامه‌ریزی مطالعه کردیم، با توجه به آن که در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و شهری همیشه، مطالعات بر اساس میزان رشد جمعیت صورت می‌گیرد، ضرورتاً یک سری فاصله‌های زمانی را در این مقوله پیش رو قرار می‌دهند که در نهایت منجر به طرح‌های شهری می‌شود و این طرح‌های شهری از بعد زمانی به سه گروه تقسیم می‌شوند: برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت. به عبارت دیگر تشخیص می‌دهند که نرخ رشد جمعیت و رشدی که تعیین کردند و میزانی که به سمت افزایش است تا کجای این پهنه باید برود؛ یعنی خانه‌های مسکونی تا کجا باید گسترش پیدا کند. این جاست که چارچوب برای طرح‌های مدون شهری تبیین می‌شود و از این روست که ما می‌گوییم که محدوده‌ی شهر تهران تا فلان حد می‌تواند گسترش پیدا کند. از این خط محدودی خدماتی به بعد، اراضی‌ای وجود دارد که باید در توسعه‌های آینده به کار آید و این جاست که بحث حریم مصداق پیدا می‌کند؛ به عبارتی حریم: اراضی ذخیره‌ای است که برای توسعه‌های آینده،

فراغت خود را می‌گذرانند؛ بنابراین گسترش زیستگاه انسان بر روی این عرصه می‌باید تا یک نقطه‌ی معین پیش برود؛ چرا که فراتر از آن مشکلاتی را پدیدار می‌کند. مصداق بارز آن؛ بحث منابع و ذخایر زیر زمینی حیاتی است؛ به عنوان مثال شهر تهران را در نظر بگیرید. اگر سیر و روند گسترش این شهر را از اواخر دهه‌ی ۲۰ خورشیدی بررسی کنیم، می‌بینیم که با افزایش جمعیت، هسته اولیه‌ی شهر به مرور زمان گسترش یافته و دست آخر با مهاجرت‌هایی از درون به بیرون و همین‌طور از بیرون به درون مواجه هستیم که در نتیجه‌ی آن لایه‌ها و پهنه‌های شهر، به واسطه‌ی رشد و افزایش جمعیت، مرتب در حال تغییر و تحول می‌باشند. بنابراین آن مثالی که فارابی در کتاب خودش زد و «شهر را به مثابه یک پیکره‌ی انسان می‌داند»، چنین نمود پیدا می‌کند که شهر پیکره‌ی پویایی است که خیابان‌ها و بزرگراه‌ها در حکم رگ‌ها و شریان‌های حیاتی آن پیکره محسوب می‌شود و امروزه بسیاری از شهرسازان معاصر غربی با تأثیر از فلاسفه و دانشمندان اسلامی دقیقاً همین تعریف و مصداق را ارائه می‌کنند؛ از جمله این گروه، لوکوربوزیه است که همین مثال را در رابطه با تعریف و تبیین شهر بیان می‌کند مبنی بر این که شهر دارای یک کالبد و ساختار است و تناسب و مقیاس در این پیکره وجود دارد. بدیهی است که یک شهر از جوانب مختلف و در یک قالب و چارچوب منظم می‌تواند گسترش پیدا کند. اگر موقعیت‌های جغرافیایی مانعی برای این گسترش نشود، شهر منظم می‌ماند و اگر غیر از این باشد، یک رشته تبعات منفی، هم چنین نابهنجاری‌هایی در گسترش و توسعه‌ی خویش در بر خواهد داشت.

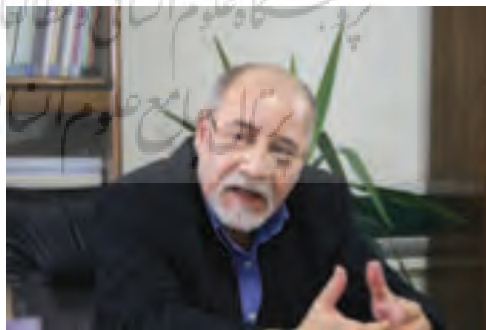
● شما فرمودید که حریم و محدوده‌ی شهر، مشخص می‌کند که ظرفیت شهر تا کجاست و شهر از آن جا به بعد مثلاً از لحاظ منابع زیرزمینی گنجایش ندارد؛ ولی می‌توان گفت که شهرهای بسیاری هستند که محدوده و حریم دارند؛ ولی در اطراف آن‌ها سکونتگاه‌های غیررسمی یا حتی شهرها و روستاهای رسمی شکل گرفته‌اند که با شهر مرکزی رابطه‌ای دو سویه برقرار کرده‌اند، و در بسیاری موارد، منابع را به صورت غیر قانونی دریافت می‌کنند و همچنین تعامل شغلی و کاری میان‌شان برقرار است. در حالی که به نظر می‌رسد خط حریم، صوری و فقط بر روی نقشه بوده است. ○ این چنین نیست. ما نمی‌توانیم بگوییم که صوری و قراردادی است. علم شهرسازی بر اساس استدلال و منطق مدون می‌شود. اساس علم شهرسازی بر روی سه شالوده علمی استوار است. این سه علم (شالوده) عبارت‌اند از: علم اقتصاد، علم سیاست و علم فرهنگ. گسترش و محدودیت و هر گونه تغییر و تحول کالبدی و ساختاری شهر، در نهایت



متناسب با نرخ رشد جمعیت پیش بینی شده است؛ پس این جا محمل‌های قانونی در دل آیین‌نامه‌های اجرایی و ضوابط ملاک عمل، در طرح‌های شهری تدوین و مصوب می‌شود و آن چارچوب قانونی به منصفی ظهور و اجرا در می‌آید و در واقع محدوده‌های شهر تعریف پیدا می‌کند.

در بحث مبانی حقوقی مترتب بر تعریف شهر، می‌توانید مثلاً ماده‌ی ۱۱ قانون تقسیمات کشوری را در نظر بگیرید. در آن جا تعریف شده که شهر به جایی و در زمانی گفته می‌شود که جمعیت از یک حدی بیش تر شود و یک حالت شهری بودن پیدا کند و البته همین سلسله مراتب در دنیای غرب هم وجود دارد. در آن جا تعاریفی از City، مترو و مترو پولیس‌ها و در نهایت در مقیاس‌های خیلی بزرگ مگالاپولیس‌ها دارند که جایگاه ویژه‌ی خاص خودشان را پیدا می‌کنند. **از آن جا که این حریم هیچ وقت ایستا نیست و با وجود برخی وقفه‌های کوتاه، شهر هم چنان به صورت نمی‌که در خاک پیش می‌رود، حریم خود را نیز به بیرون می‌راند؛ مثلاً در تهران چیزی که به چشم می‌خورد، این اصطلاحی است که بین شهرسازها رایج است و آن این است که می‌گویند: جاده بدو، شهر بدو. بنابراین وقتی این جاده‌ها پیش می‌روند خواه نا خواه این حریم شکسته می‌شود؛ یعنی ما حتی اگر مثل لندن کمربند سبز بسیار خوب و حساب شده‌ای هم می‌داشتیم، باز هم نمی‌توانستیم جلوی حرکت و جابه‌جایی حریم شهر را بگیریم. اکنون چه تضمینی وجود دارد که این حریم بتواند شهر را تا مدتی حفاظت کند؟**

○ کمربندهای شهری در کشورهای اروپایی و غربی با استفاده از فضاهای سبزی است که با آن‌ها له یا کمربندی را در پیرامون شهر احداث می‌کنند. در رابطه با این قضیه‌ی "جاده بدو، شهر



بدو"، باید گفت که یک واقعیت ملموسی وجود دارد و آن این که با وجود سپری کردن قرن بیستم میلادی، هم چنان در کشورهای آسیایی، قاره‌ی آفریقا و آمریکای لاتین، نرخ رشد جمعیت بی‌ثبات و رو به افزایش است اما در کشورهای اروپایی چنین نیست. مصداق بارز آن، یعنی کشور ایتالیا حتی دارای نرخ رشد و مولید زیر صفر است. یکی از دلایل عمده‌ی

شکست حریم‌ها، وجود راه‌های شریانی است که در شهرهای بزرگ همانند، تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و ... همیشه محور شکل‌گیری تعداد بسیاری از سکونتگاه‌های انسانی بوده است. برای نمونه، حدود و ثغور شهر تهران مشخص است، به گونه‌ای که اگر پهنه‌ی جنوب شهر تهران را در دهه‌ی ۴۰ مدنظر قرار دهیم می‌بینیم در نقطه‌ای که زمانی به نام "قاسم آباد شاهی" گفته می‌شده است، در آن زمان، جمعیتی بالغ بر هزار نفر می‌زیسته‌اند؛ اما امروزه به دلیل بهبود کیفیت زندگی چه در بحث کلان‌ناشی از فروش نفت و چه در بحث خرد آن، یعنی بهبود کیفیت زندگی خانواده و تأثیر این اقتصاد منبعث از سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری در قیل از انقلاب باعث شده در حدفاصل دهه‌ی ۴۰ تا ۵۰ این روستا به شدت شاهد رشد جمعیت چه از برون و چه از درون باشد و دست آخر در کنار شهر تهران، شهری را به نام اسلامشهر (قاسم آباد شاهی سابق) قارچ گونه به وجود آورد. اگر شما شهر تهران را از لحاظ مرفولوژی و جمعیتی و بافت، تجزیه و تحلیل کنید، در می‌یابید که بسیاری از مهاجران، به وجود آورنده‌ی این مکان‌ها هستند که به عنوان کارگر در بخش خدماتی کار می‌کنند و محور ارتباطی شان نیز جاده‌ی تهران - ساوه نقطه‌ی عطف این پیدایش است و در نتیجه مردم در کنار این محورها گرد می‌آیند و سکنی می‌گزینند و سرانجام گسترش‌های میان راه‌های ارتباطی، بافت‌های خالی را نیز پر می‌کند و این چنین است که شهر گسترش می‌یابد. **همه‌ی این بحث‌هایی که گفته شده است یک حالت ایستایی را برای حریم در نظر گرفته است و همان طور که خودتان فرمودید، این ایستایی در عمل وجود ندارد و مرتب به پس رانده می‌شود. به ویژه اگر شهرداری اقدام کننده‌ی اصلی باشد، تداخل خیلی از مدیریت‌های دیگر همانند نیروی انتظامی در کارها وجود دارد و این ایستایی حریم که در قانون پیش بینی شده است نه تنها آرام آرام جلو می‌رود بلکه خودش هم در جا نیست و در نتیجه یک آشفتگی خاصی وجود دارد و انگار این حریم هیچ گاه شکل واقعی پیدا نمی‌کند. نظر جنابعالی چیست؟**

○ باید ببینیم که عامل این گسترش و از بین رفتن حریم شهری چیست؟ فاکتورها و عوامل مختلفی در این موضوع دخیل هستند. در وهله‌ی اول سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در این قضیه داشته باشد. از جمله عوامل دیگر، مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ و هم چنین فاکتورهایی همانند خشک‌سالی‌ها را می‌بینیم که این‌ها یک سری نیروهای دفع و رانش را ایجاد می‌کنند؛ برای نمونه خشک‌سالی در دهه‌های گذشته، به ویژه سال‌های ۵۰ تا ۶۰ باعث این شد که بسیاری از روستاییانی که دچار خشک



است. با این حال ما می‌بینیم که در خیلی از زمان‌های مختلف، این ضوابط توسط دستگاه‌های اجرایی نادیده انگاشته شده است. این‌ها مثال‌ها و مصداق‌هایی عینی دارد؛ اما در این جا به اصطلاح یک برنامه‌ی مدون و یک سیاست برنامه‌ریزی شده بر شالوده‌های منطق و استدلال می‌خواهد که سازمان‌های مسئول به یک اشتراک نظری و بعد عملی برسند.



● موارد بسیاری هست که شهرداری اجازه‌ی ساخت و ساز را به یک مجموعه یا واحد ساختمانی نداده است؛ ولی سازمان‌های خدماتی به آن زمین‌ها انشعاب دادند. شاید این قضیه به بحث مدیریت یکپارچه‌ی شهری بر می‌گردد که ما به دنبال آن هستیم و هنوز به آن نرسیده‌ایم. نظر شما در این رابطه چیست؟
○ دقیقاً شما مطلب درستی را عنوان کردید. یکی از راه‌های پیش‌گیری از بروز تعدی به اراضی ذخیره‌ی شهری، اعمال قانون است. بحث مدیریت یکپارچه‌ی شهری این قضیه را در خودش به صورت پوشیده دارد و آن جا، آن مداخلات ناهماهنگ با یک سازمان خدماتی همانند شهرداری تهران را از بین می‌برد.

در قانون، به صورت واضح آمده است: هر گونه ساخت و ساز در حریم شهر ممنوع است. ناگفته نماند ما از زمان گذشته، ضوابطی در طرح جامع شهر تهران - مصوب اواخر دهه‌ی ۴۰ خورشیدی - را داریم که حریم شهر تهران و خطوط آن، به عنوان اراضی توسعه‌ی آینده - بر روی نقشه مصوب شده است، هم چنین ضوابط نحوه‌ی احداث بنا را حتی در روستاهای داخل حریم دیده است. در طرح جدید یعنی طرح سامان دهی مصوب ۷۰ نیز که منبعت از همان طرح قدیم است، همین موارد رعایت می‌شود. با این حال، شهرداری تهران به عنوان متولی بر امر مدیریت شهری در محدوده‌های خدماتی، می‌باید کنترل و نظارت بر پهنای حریم را داشته باشد؛ ولی در جای دیگر ما می‌بینیم، بروز برخی از قوانین که شاید بدون در نظر گرفتن توسعه و رشد جمعیت، مصوب شد، باعث انتزاع قسمتی از اراضی حریم شهر تهران می‌شود و این جاست که باعث مشکلاتی می‌شود؛ برای نمونه در بحث دهیاری‌ها عنوان شده است: اگر روستایی با یک نرخ رشد جمعیت

سالی شده بودند، اراضی کشاورزی خودشان را رها کنند و برای ادامه‌ی حیات به حاشیه‌ی شهرها روی آورند؛ چرا که از لحاظ اقتصاد خانواده، افراد بنیه‌ی نیرومندی را دارا نبودند؛ از این رو حاشیه‌ی شهرها اولین جایی بود که آن‌ها می‌توانستند متمرکز شوند. از سویی فعالیت‌های شغلی در بخش خدماتی باعث بهبود شرایط اقتصادی این‌ها می‌شد؛ در نتیجه در یک دوره، بعد از زندگی در حاشیه‌ی شهرها، به داخل شهرها آمده و سکنی می‌گزیدند.

یکی از عوامل مؤثر در این زمینه، همانا ناهماهنگی‌ها و تداخل‌هایی است که میان دستگاه‌های اجرایی وجود دارد. این است که در بسیاری جاها، آن دسته از طرح‌های جامع شهری که ضوابط، عوامل و ملاک‌های عمل اجرایی بر آن مترتب شده است، در روند ایام کارآمدی خود را از دست داده اند. برای نمونه قوانین شهرداری‌هاست که با توجه به گذشت بسیار زیاد زمان، دیگر کارآمدی سابق را ندارند. به همین دلیل در بسیاری از جاها ما از لحاظ حقوقی دچار نارسایی هستیم؛ که اگر نگوییم نبود قوانین درست و منظم؛ باید بگوییم در خیلی جاها این قوانین کار آمد نیست.

مصداق آن بحث ماده‌ی ۹۹ قانون شهرداری‌ها، هم چنین در بحث قانون تقسیمات کشوری است، که میان سازمان‌های اجرایی دخیل، دچار یک سری مشکلات می‌شویم. نبود یا فقدان یک متولی درست در امور و مدیریت شهر، سرانجام باعث این مسائل می‌شود.

● هنگام سخن گفتن از حریم، بحث نظارت شهرداری و مدیریت ساخت و سازهای شهری و سپس اسکان غیر رسمی و حاشیه نشینی پیش می‌آید. در حال حاضر وضعیت اسکان غیر رسمی در حریم شهر تهران به چه شکل است و چه راهکارهایی را شهرداری تهران برای برخورد با این امر اندیشیده است؟ و شما وضعیت را چگونه می‌بینید؟

○ راه برون رفت از این معضل نیاز به یک اجماع همگانی دارد. هم چنین باید ما سازمان‌های اجرایی مسئول و دست اندر کار ذی ربط در این مقوله را به صورت هماهنگ در یک سیاست مدون جدید گرد هم بیاوریم که وظایف هر یک از این‌ها به صورت آشکار بیان شده باشد و مداخلات از بین برود.

این که شما نگاه می‌کنید و می‌بینید که رشد جمعیت و سیر مهاجرت در دهه‌های پیشین به واسطه و علت‌های مختلف باعث به وجود آمدن شهرک‌ها و سرانجام تبدیل شهرک‌ها به شهرها شد، یکی از این مسائلی است که در این مطلب شما، دخیل است. به این شکل که قانون به صورت مصرح اراضی را تعریف کرده است و ضوابط مترتب بر حریم و حاشیه‌ی شهرها و هم در چگونگی رفتار و ملاک برخورد را تبیین کرده



گذاشته اند. حال اگر آن روستا با افزایش جمعیت و به وسیله‌ی جاذبه‌هایی که در دل خودش ممکن است ایجاد کند، گسترش یابد، و در آن دهیاری تأسیس شود، دیگر در آن جا شهرداری نمی‌تواند دخالتی داشته باشد و سرانجام این کار چنین می‌شود که روستاهای کوچک واقع در حریم شهر تهران به صورت قارچ گونه رشد پیدا کند و سلول‌هایی می‌شود که تکثیر می‌شوند و همدیگر را می‌خورند و مثلاً پنج روستا یک باره به یک شهر تبدیل می‌شود. نمونه‌ی آن قیام دشت و اسلامشهر است. برای مثال با مطالعه‌ی تاریخچه‌ی اسلامشهر می‌بینید که زمین‌های آن جا توسط یک رشته قنات آبیاری می‌شده است؛ و سپس در دهه‌ی ۵۰ تا ۶۰ با سیر مهاجر از بیرون به درون این اراضی ساخته می‌شود.

● **هم اکنون با توجه به طرح تفصیلی شهر تهران که بخش‌هایی از آن در شورای شهر به تصویب رسیده و در شورای عالی شهرسازی و معماری نیز مطرح شده است، حریم شهر تهران به چه شکل است؟**

○ از دیدگاه یک کارشناس در رابطه با طرح جامع و تفصیلی شهر تهران انتقادی دارم. در هیچ یک از کشورهای پیشرفته‌ی جهان، هیچ وقت طرح جامع با طرح تفصیلی، هم زمان تهیه نشده است. سلسله مراتب، با روند زمان همراه است و یک سیر تکوینی است. از این رو ما نمی‌توانیم بگوییم، هم زمان طرح جامع و تفصیلی تهیه شود؛ چرا که در طرح‌های تفصیلی، به تفصیل باید کاربری‌های خدماتی منبعث از طرح‌های جامع بالادست مدون شود و به تصویب برسد، و خلاف این جهت، جای بحث دارد. هم چنین پیش از تهیه‌ی طرح جامع شهر تهران، از دیدگاه کارشناسی و منطقی، شایسته تر آن است که نخست محدوده‌ی حریم تهران را تعیین کنند. چگونه است که ما یک محدوده‌ی حریم را در طرح جامع مصوب دهه‌ی ۷۰ داشته‌ایم و طرح جامع و تفصیلی آن را باهم نگاه می‌کنیم و پس از این که این دو طرح را تهیه کردیم، آن گاه محدوده‌ی شهر را تعیین می‌کنیم.

این جا ما تناسب بین مسائلی را که در بطن هر کدام از این طرح‌ها وجود دارد، به هم ریختیم. ما نخست باید گنجایش یک طرف را تعیین کنیم و اراضی شهری را برای توسعه‌ی آینده و در دهه‌های آتی و هم چنین چشم اندازه‌های برنامه‌ی توسعه‌ی کلان یعنی محدوده‌ی حریم شهر را در نظر بگیریم، آن گاه محدوده‌های خدماتی شهر و محدوده‌هایی را که سازمان‌های اجرایی متولی خدمات رسانی از جمله شهرداری تهران را پیش چشم داشته باشیم. پس ابتدا باید محدوده و حریم شهر تهران و طرح جامع و بعد از آن طرح تفصیلی و از آن پس، طرح‌های اجرایی را

بومی خودش مواجه شد و طبیعتاً جمعیتش از یک سقفی فراتر رفت، لازم است که شورای اسلامی روستا و سپس دهیاری، به وجود بیاید و سرانجام توسعه‌ی آن روستا و احداث بنا در درون روستا با صدور مجوز از سوی دهیاری صورت می‌گیرد که در این جا قانون، دخالت و کنترل و نظارت را از شهرداری گرفته است و همین به نوبه‌ی خود باعث مشکلاتی می‌شود و دست آخر به این جا ختم می‌شود که ارتفاعات شمالی شهر تهران به واسطه‌ی افزایش قیمت زمین و مستغلات، در ترازهای بالای ۱۸۰۰ متر نیز مورد ساخت و ساز قرار می‌گیرد. در این جا شایسته است که به بیانات مقام معظم رهبری اشاره گردد که در این رابطه فرمودند که این شهر تا کجا باید پیش برود. بنابراین این چنین نباید باشد که شهر تهران از غرب به کرج، از شرق به دماوند بچسبد و از جنوب نیز هم چنان گسترش یابد. پس یک حدی لازم است که باید بر آن محدوده کنترل و نظارت شود و در نتیجه از ساخت و سازهای خلاف و بی رویه جلوگیری شود.

● **با طرح این مباحث چنین برمی‌آید که شما نسبت به قانون تعاریف محدوده و حریم شهر و روستا که سال ۸۴ تصویب شد، انتقاد دارید. بدیهی است براساس این قانون کلیه‌ی قوانین پیشین که دارای تعریف‌های گوناگونی در باره حریم و محدوده بود، لغو شد تا به یک تعریف واحد برسد و فقط دو واژه‌ی محدوده و حریم را به رسمیت شناخت.**

○ من از دیدگاه نقادانه به قانون نگاه نمی‌کنم؛ چرا که قانون در ذات خود مبین یک سری استدلالات می‌تواند باشد و این چنین نیز هست. نگاه من، نگاه تداخل سازمان‌های اجرایی است. ببینید ما طرح‌های جامع شهری را براساس قانون در یک مرکزی به نام دبیرخانه‌ی شورای عالی معماری و شهرسازی مصوب می‌کنیم. این، بالاترین مرجع رسیدگی به طرح‌های شهری اعم از طرح‌های جامع و تفصیلی است. اما وجود، ظهور و بروز قوانین دیگری با دور نگاه داشتن شرح وظایف دبیرخانه‌ی شورای عالی معماری و شهرسازی، ما را دچار مشکل می‌کند. اگر بگوییم که شورای عالی معماری و شهرسازی وظایفش را تغییر دهد و به جای دبیرخانه، ما یک متولی بر آن ببینیم و قوانین را در جهت خدمات و شرح وظایف آن سازمان خاص متولی ببینیم، این امر در نهایت تبعاتی را به وجود می‌آورد. آن تبعات مصداق عینی همین سؤال شماست. این قانون مصوب سال ۸۴ می‌باید با در نظر گرفتن شرح خدمات و شرح وظایف سازمان‌های مسئول و متنوع خدمات شهری دیده می‌شد. برای نمونه هم اکنون نظارت بر روستاهای داخل حریم را بر عهده‌ی شهرداری‌ها



را در خودش می‌بلعد بگیریم؟

● شهر و حوزه‌های نفوذ جمعیتی اطراف آن، همواره مورد حرکت‌های دینامیکی ناشی از جمعیت هستند. عده‌ی زیادی از بیرون شهر تهران به ویژه شهرهای اقماری آن، وارد تهران می‌شوند و سفرهای برون شهری دارند و شب به سکونتگاه‌هایی که در آن سکنی دارند، بر می‌گردند؛ در

نتیجه شهر همواره در میان دو مؤلفه‌ی تعادل و تغییر و تحول است و در نهایت این مؤلفه‌های استاتیکی و دینامیکی، پوسته‌ی شهر را می‌ترکانند. اما در پاسخ این نکته‌ی شما که چه راهکارهایی برای مقابله با این پدیده و کاهش ازدیاد جمعیت وجود دارد، باید گفت، یکی از پیشنهادها در این مورد، مسأله‌ی سامان دهی به روز مشکلات حریم شهر تهران از دیدگاه‌های مختلف است و آن تناقضات قانونی است که در نهایت، امر نظارت را بر

مجتمع‌های زیستی داخل حریم به وضوح بیان کرده است، منتها در اجرا و عملکرد، تداخلات مانع از این می‌شود که سازمان مربوط و متولی ذی ربط، مداخله داشته باشد؛ بنابراین یکی از راهکارها آن است که یک نگاه سامانه‌ای یا سامان دهی، نسبت به مشکلات فعلی شهر تهران داشته باشیم. راهکار دیگر آن است که در جاهایی که قانون نارسا است، ما قوانین جدیدی را بر اساس نیازها و تهدیدها با برنامه‌ریزی پی افکنیم و به آن برسیم؛ سپس آن سیاست‌ها را اعمال کنیم.

● در پایان اگر سخنی به عنوان جمع بندی دارید، لطفاً بیان فرمایید.

○ تلاش مدیران دلسوز و خدوم، پایه‌ی رفع مشکلات است و همدلی و اتحاد میان دستگاه‌های ذی ربط مسئول برای کاهش دادن مشکلات حریم شهر تهران، اولین سیاست باید باشد. من هم، به عنوان یک کارشناس و هم به عنوان یک مدیر در بحث حریم شهر تهران آرزو دارم که یک تفاهم و یک پروتکل همکاری میان شهرداری تهران و وزارت کشور داشته باشیم و الحمدلله تا حالا این چنین بوده است ولی در بعضی از جاها به هر حال اختلاف سلیقه‌هایی وجود داشته است؛ اما خوشبختانه این همدلی هنوز پابرجاست و می‌طلبد که با نشست‌ها و بازگودن مشکلات، یک حرکت جمعی مبتنی بر بیان استدلالی، علمی و تخصصی را به عنوان راهگشا در پیش گیریم که سرانجام منجر به کاهش این مشکلات شود که امیدوارم امسال این امر محقق شود.

● با سپاس از جنابعالی برای شرکت در این گفتگو

در نظر گرفت و این سلسله مراتب باید رعایت شود. ● در حال حاضر محدوده و حریم همین طرح جامعی که تهیه شده است، چگونه است؟ آیا بر اساس محدوده و حریم گذشته است یا خیر؟

○ هر چند طرح جامع و تفصیلی شهر تهران، به تصویب شورای عالی شهرسازی و شورای محترم اسلامی شهر تهران



رسیده است، اما هنوز ابلاغ نشده و ضوابط و ملاک عمل برای آن دیده نشده است و این‌ها به زمان نیاز دارد. در نهایت حریم شهر تهران هم اکنون همان حریمی است که از قبل وجود داشته است. البته حریم جدید شهر تهران تهیه شده است؛ منتها هنوز به تصویب کلیه‌ی مراجع بالادست نرسیده است و دست آخر ضوابط و آیین نامه‌های ملاک عمل نیز، هنوز تهیه نشده است.

● در تعیین حریم یا قوانین مربوط به آن حتماً همه سو نگیری و چندسونگیری باید باشد که بسیار طبیعی است؛ ولی یک تناقض در آن دیده می‌شود و آن عامل جمعیت است که دیواره‌های حریم را می‌ترکاند. به تعبیر من تا حدودی همانند ظرفی است که بر اثر یخ زدگی از درون به دیواره‌های فشار وارد می‌شود؛ به این عامل فشارزا به صورت جدی نگاه نشده است. هم اکنون شهر تهران از دو سو، جمعیت آن افزایش می‌یابد؛ یکی عدم توفیق در سیاست تمرکززدایی است؛ چرا که هم چنان، راه‌ها به تهران ختم می‌شود و دیگر این که افزون بر این جمعیت افزایی، گاهی خود ما نیز دست به جایی مثل پردیس می‌اندازیم و فاصله‌ی آن را به خودمان (تهران) نزدیک می‌کنیم. در نتیجه در یک چشم انداز ۲۰ ساله، شهر آن جا را در خود فرو خواهد برد. این جمعیت است که چنین قدرت گوار ندگی را می‌دهد. در چنین شرایطی به راستی ما برای نگه داری حریم چه تمهیدی در این قوانین اندیشیده‌ایم تا جلوی این فک قوی که مرتب روستاها